

هایده صیرفی
دکترای تخصصی فرهنگ
و زبان های باستانی

گفتاری پیرامون رادی و مراسم گلر یزان زورخانه

پهلوانان رادی

است که شکوفایی صورت و جسم است. اما در معنای مجازی در مفهوم «سالک» و رونده است که اوج شکوفایی سیرت و جان است. این صفت و موصوف هنگامی که مقلوب می شوند، یعنی مرد جوان تبدیل به جوان مرد می شود، چنان بار سترگ معنایی می گیرد که بی درنگ ذهن از خامی به پختگی و کمال می رسد.

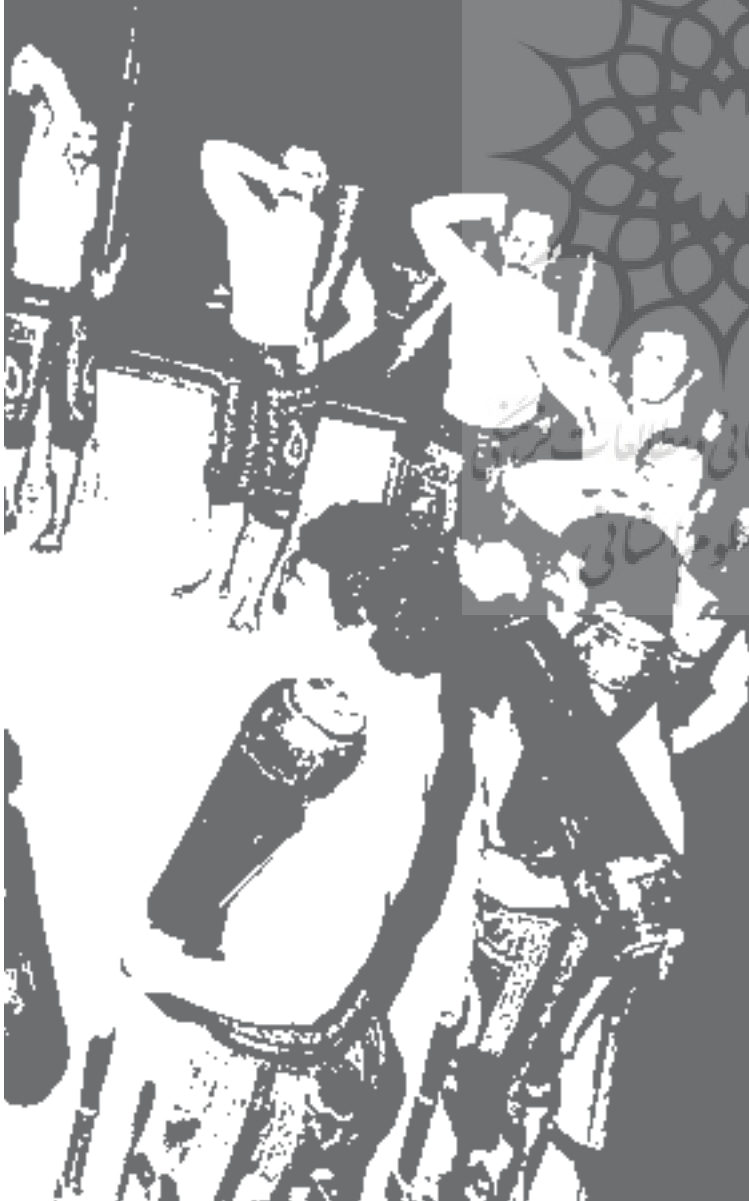
گروهی از ایران شناسان بر این عقیده اند که «هفت خوان های رستم و اسفندیار در شاهنامه ی فردوسی»، بازتاب آیینی است برای گذر از مرحله ی نوجوانی و رسیدن به مردانگی

«به نام یزدان دادار کردگار و به مردی و جوان مردی [و به رادی و راستی] و دم حق راست گویان و به حق نمک آزادان» [الازجانی، ۱۳۵۶: ۷۴]

و با اجازت مرشدان و پهلوانان

آیین زورخانه ای را به هر آیینی که نسبت دهیم، آیین مهرپرستی، آیین عیاری یا آیین عرفانی، همگی یک افق مشترک دارند و آن آیین جوان مردی است. آیین جوان مردی را تنها در «رستم نامه ها» و «گرشاسب نامه ها» و «فتوت نامه ها» نباید خواند، چرا که جوان مردی تنها سخن نیست و در تنگنای کلام نمی گنجد. جوان مردی کنش و منش است. کار و علوم انسانی جوان مردی را می بایست در انسان امروز نیز یافت و بارورتر کرد. انسان امروز در دوره ای از تاریخ بشریت زندگی می کند که سخت نیازمند جوان مردی است. بنا به گفته ی هائری کربن^۱ «آیین جوان مردی جمله تکالیفی است که فرد بنا بر محبت و به فرمان عشق اجرای آن را به عهده گرفته است» [کربن، ۱۳۸۲: ۱۰].

واژه ی جوان مرد از نظر ساختار دستوری از دو کلمه ی جوان (=صفت) و مرد (=اسم) تشکیل شده است. مقصود از جوان در مفهوم ظاهری کلمه، همان دوره ی جوانی





نخست: شریعت، یعنی راست گفتن و تسلیم شدن کامل به قوانین الهی.

دوم: طریقت، یعنی راست دیدن و درست عمل کردن.

سوم: حقیقت، یعنی درست بودن و خود شخص به خود راستی تبدیل شدن [همان، ص ۶۰].

عنصرالمعالی درخصوص جوان مردی گفته است: «چون نیک بنگری، بازگشت همه چیزها بدین سه شرط باشد: اول خرد، دوم راستی، سوم مردمی.»

می خوانیم: «جوان مرد انسان آزاده‌ای است که برای رسیدن به مرتبه‌ی او بایستی مراحل را سپری کرد. مرحله‌ی نخست مرحله‌ی مروت است، اما مراد از مروت، خصوصیتی است که انسانیت انسان را تشکیل می‌دهد... وقتی می‌توان سخن از فتوت (= جوان مردی) به میان آورد که همه‌ی عوامل شررها شده و نیروهای ناشی از خیر بر شر چیرگی یافته و فضیلت، عدالت و نجابت مصداق پیدا کرده باشد» [کرین، ۱۳۸۲: ۱۴].

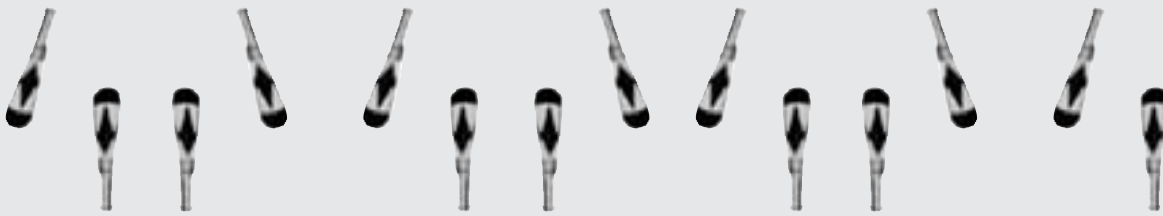
در فتوت نامه‌ها، جوان مردی بر پایه‌ی سه اصل توصیف شده است:

و جوان مردی. هفت خوان، هفت منزل و گذرگاه راه عشق است. مثل هفت مرتبه‌ی آیین مهری و در امتداد زمان هفت مرحله‌ی سیر و سلوک عارفان» [مسکوب، ۱۳۸۱: ۳۴-۳۱] و یا مراتب چندگانه‌ای که در زورخانه‌ها وجود دارد؛ مانند کهنه‌سوار، مرشد، پیشکسوت، صاحب زنگ، صاحب تاج، نوچه و جز آن.

بحث نظری و عملی جوان مردی پس از اسلام در فتوت نامه‌های گوناگون آمده است.

در فتوت نامه‌ی عبدالرزاق کاشانی





در کتاب «مینوی خرد»، یکی از نامه‌های ارزشمند دینی دوره‌ی میانه (ساسانیان) نیز بر سه اصل تأکید شده است: اول خرد، دوم راستی، سوم رادی.

در این گفتار، به یکی از ویژگی‌های جوان‌مردی یعنی «رادی» می‌پردازیم که این ویژگی در صورت بیرونی همانندی نزدیکی با مراسم گل‌ریزان زورخانه دارد.

رادی و مراسم گل‌ریزان:

بهین رادی آنکه که بی درد و خشم
بخشی نداری به پاداش چشم
چو از داد پرداختی راد باش
وزین هر دو پیوسته آزاد باش
(اسدی طوسی)

رادی به معنی بخشندگی از مصدر ra به معنی بخشیدن است. این واژه در اوستا و سانسکریت به صورت «rati» و در متون دوره‌ی میانه به صورت «radih» و در مفهوم داد و دهش و بخشندگی آمده است. امروزه نیز این واژه به همین معناست. چنانچه که اسم و صفت‌های ترکیبی نیز با آن ساخته شده است مانند: رادمرد و رادمشی. بی‌هیچ تردیدی، جوان‌مرد و جوان‌مردی در ردیف این واژه‌ها قرار دارند. همانا کسی شایسته این صفت است که بخشنده و بزرگوار است.

در متون باستان، از جمله در کتاب «اوستا»، ارادی چون ایزدی ستوده شده است (هفت تن یشت، بند ۳، و نبداد ۱۹، بند ۱۹): «رادی چون ایزدی است که نگهبان بخشندگی و دهش و جوان‌مردی است و هرکس که دست مستمندی گیرد و نیازمندی را یاری رساند، پس رادی از او خوشنود خواهد گشت و بین او و پروردگار میانجی خواهد شد.»

به کار بردن ابزارهایی که ویژه‌ی این ورزش است، به پرورش جسم و اندام پرداخته می‌شود و درونی از آن روی که کنش‌هایی جوان‌مردانه دارد؛ به گونه‌ای که این ورزش را به آیینی تبدیل کرده است. با گذری بر گذشته‌هایی دور و باور پیشینیان خود، خواه مهربان، خواه شوالیه‌ها، خواه عیاران و فتیان درمی‌یابیم که تنها فاصله‌ای ظاهری به گستردگی هزاره‌ها میان ما و تاریخ وجود دارد؛ چرا که روح همگی یکسان است.

در آیین زورخانه‌ای، علاوه بر ورزش جسم و پرورش آن که نیازمند ابزارهایی بیرونی چون: سنگ، تخته، میل و کباد است که صورت نمادین برخی از افزارهای رزمی دوران باستان چون: سپر، گرز و کمان است، ورزش و پرورش روح نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و آن نیز نیازمند ابزارهایی درونی چون: فروتنی، رادی، راستی، سپاس‌داری، خردورزی، نبرد با دیو درون و بسیاری دیگر است.

در کتاب مینوی خرد همانندی

در متون دوره‌ی میانه (دوره‌ی ساسانیان) نیز از جمله کتاب «مینوی خرد»، درباره‌ی رادی بسیار سخن رفته است. در این کتاب چنین آمده: «از برای نیک نامی و رستگاری روان رادی خوش تر است.» [تفضلی، ۱۳۶۴: ۶۰].

در «شاهنامه» فردوسی نیز واژه‌های راد و رادی در بافت‌های گوناگون به کار برده شده‌اند:

همه مردمی باید آیین تو
همه رادی و راستی دین تو

نام کسان نیز با پیشوند راد در شاهنامه به دو صورت آمده است؛ مانند:

راد بُرزین که نام یکی از سرداران بهرام گور است.

بیاورد هم قارن بُرزمهر
دگر راد بُرزین آژنگ چهر

یا راد فرخ که نام یکی از بزرگان در زمان هرمزد، پسر انوشروان است:

کجا راد فرخ بُدی نام اوی
همه شادی شاه بُد کام اوی

آیین زورخانه‌ای، آیینی بیرونی و درونی است. بیرونی از آن جهت که با



ورودی زورخانه کوتاه گرفته می شود تا هر کس در هر مقامی، با فروتنی وارد شود.

● طهارت و پاکیزگی که نماد پاکی است و از راستی روح و روان برمی خیزد.

● ادای احترام به گود با بوسیدن آن هنگام ورود به آن که نماد قدم بوسی پوریای ولی و سپاس داری گود است.

● احترام به هماورد که همانا خوی جوان مردی است.

● رخصت گرفتن که نماد تکریم بزرگان است.

● گل ریزان که نماد رادی و بخشندگی است.

اهالی زورخانه خوب می دانند که در زورخانه مراسمی است به نام «مراسم گل ریزان»؛ مراسمی که در آن به مناسبت هایی مبالغی گرد آورده می شود تا ارزانی مستمندان و نیازمندان گردد؛ مناسبت هایی چون: کشتی گرفتن دو پهلوان، آشتی دادن دو پیشکسوت و زدودن کدورت میان آن ها، دستگیری مستمندان و نیازمندان، گشایش زورخانه ای، رونق بیشتر بخشیدن به ورزش در محل، یا یاری رساندن به مردمان به هنگام بروز

منابع

۱. بهار، مهرداد. ادیان آسیایی. چشمه. تهران. ۱۳۷۵.

۲. ———. جستاری چند در فرهنگ ایران. فکر روز. تهران. ۱۳۷۳.

۳. پورداد، ابراهیم (مترجم). یسنا. اساطیر. تهران. ۱۳۸۰.

۴. پورداد، ابراهیم (مترجم). یشت ها. اساطیر. تهران. ۱۳۷۷.

۵. تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. سخن. تهران. ۱۳۷۶.

۶. تفضلی، احمد (مترجم). مینوی خرد. توس. تهران. ۱۳۶۴.

۷. الراجانی، فرامرز بن خداداد بن عبدالله الکاتب. سمعک عیار. به تصحیح پرویز نائل خانلری. بنیاد فرهنگ ایران. تهران. ۱۳۵۶.

۸. کرین، هانری. آیین جوان مردی. ترجمه ی احسان نراقی. سخن. تهران. ۱۳۸۲.

۹. مختاری، محمد. حماسه در رمز و راز ملی. قطره. تهران. ۱۳۶۸.

۱۰. مسکوب، شاهرخ. تن پهلوان و روان خردمند. طرح نو. تهران. ۱۳۸۱.

۱۱. ورمازرن، مارتین. آیین میترا. ترجمه ی بزرگ نادرزاد. چشمه. تهران. ۱۳۷۲.

12. Kellens, J, Pirart, E, (1990). Les texts vieil-avestiques, Vol. II, Wiesbaden.

13. Mackenzie, D. N, (1971). Pahlavi Dictionary, London.

بلائیای طبیعی^۲.

نمونه ی بارز، زیبا و پویای رادی و رادمنشی در آیین زورخانه ای همین مراسم گل ریزان است؛ مراسمی که به یک باره به وجود نیامده، بلکه نشئت گرفته از بخشندگی پهلوانان است.

چنان که مهری بوده که مهرکده ای ساخته شده، عیاری بوده تا عیار پدیدار شده و تصوفی بوده تا خاتقاهی برپا شده است. شاید بتوان مراسم گل ریزان را «مراسم رادان» نیز نام نهاد، چرا که بن مایه ی آن بخشندگی است و رادی یکی از صفت های برجسته ی جوان مردی است.

در مقایسه ای میان ساختار زورخانه ای و آن چه که از پیشینیان به جای مانده است، درمی یابیم که نمونه ی بیرونی بخشندگی، رادی و سخا در مراسم گل ریزان به تمامی متجلی است.

در پایان از آن جا که روح پهلوانی و جوان مردی آهنگ ویژه ی این سرزمین و فرهنگ است، انسان هزاره ی سوم بر این باور است که: روزی خواهد آمد که آیین مهرورزی، عیاری و فتوت آیینی، به تمامی جهانی شود.

آمین

پی نویسی

1. Henry Corbin

۲. در کشور تاجیکستان نظیر چنین مراسمی وجود دارد، به نام «حشر».

تمثیلی زیبایی میان افزارهای بیرونی و درونی آمده است: «پرسید دانا از مینوی خرد که چگونه می توان پروردگار را خشنود ساختن و چگونه می توان بهشت برین را از آن خود کردن و چگونه می توان اهریمن را به ستوه آوردن و از دوزخ تاریک رستن؟

مینوی خرد در پاسخ چنین گفت: این که مردمان از قناعت (= خرسندی) زره کنند، از راستی سپر سازند، از رادی تیر سازند، از پیمان شناسی نیزه سازند و از کوشش گرد (= نوعی سلاح) سازند» [همان، ص ۶۱].

جای دیگر در همین کتاب می خوانیم:

«از برای روان رادی بهتر است. از برای همگان راستی بهتر از برای پروردگار سپاس داری نیکوتر از برای خویشتن دانش از برای هرکاری فروتنی» [همان، ص ۱۷].

نظیر همین ویژگی ها در آداب و رسوم درونی زورخانه ای نیز وجود دارد؛ آدابی که چهره ی بیرونی آن نمودهای زیبایی پیدا می کند؛ مانند:

● اظهار فروتنی، چنان که در ب